

The most important obstacles and challenges related to supporting domestic and foreign investment in Iran

Amir Hossein Nazari PhD Student, Department of Law, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. Email: amirhossein.nazari260@gmail.com

Iraj Hosseini Sadrabadi* Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Judicial Sciences, Yazd, Iran. Email: irajhoseinisadrabadi@gmail.com

Mohammad Hossein Jafari Assistant Professor, Department of Law, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.. Email: vakeel1@gmail.com

Article Info

Article Type:

Reserch Article

Keywords:

Domestic Investment,
Foreign Investment,
Pathology,
Challenges and
Obstacles,
Investment Support

ABSTRACT

To attract and support domestic and foreign investment, Iran needs serious reforms in economic, political and social aspects. first of all, it is necessary to identify the existing challenges and obstacles and examine and research them from different perspectives. Therefore, this article addresses the issue of ". In this article, which was conducted using a descriptive-analytical method and using library resources and texts, the following results were obtained: domestic and foreign investment requires the presence of necessary requirements and the absence of obstacles. The legal obstacles and prohibitions that were selected and examined as the subject of this article have played a significant role in Iran's failure to attract and support investment. The pathology carried out indicates that various legal and non-legal obstacles and challenges are conceivable in this regard. This article addresses three of the most important of these challenges. Of course, it should be noted that it is not possible to enumerate all the challenges in different dimensions in one article, and there are certainly more challenges and obstacles in this field. However, as stated, the statistical challenges mentioned in this article are, in the author's opinion, the most important legal challenges that have been discussed in detail. "Iran's lack of membership in the World Trade Organization", "the absence of a suitable system for resolving disputes", and "shortcomings and damages related to the legal personality of the company at the stage of entering and establishing capital" are the most important challenges in question.

Cite this Article: Nazari, A. H. , Hoseini Sadrabadi, I. and Jafari, M. H. (2024). The most important obstacles and challenges related to supporting domestic and foreign investment in Iran. *International Relations Researches*, 14(2), 251-273. doi: 10.22034/irr.2025.516879.2691



© Author(s)

Publisher: Iranian Association of International Studies

DOI: 10.22034/irr.2025.516879.2691

مهمترین موانع و چالش‌های مرتبط با حمایت از سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در ایران

امیر حسین نظری دانشجوی دکتری گروه حقوق، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

رایانامه: amirhossein.nazari260@gmail.com

ایرج حسینی صدر آبادی* نویسنده مسئول، استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم قضایی، یزد، ایران.

رایانامه: irajhoseinisadrabadi@gmail.com

محمد حسین جعفری استادیار گروه حقوق، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران..

رایانامه: vakeel1@gmail.com

| درباره مقاله | چکیده |
|--|--|
| نوع مقاله: مقاله پژوهشی | جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، ایران نیازمند اصلاحات جدی در جنبه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. بهبود بسترهای لازم و رفع موانع قانونی و بوروکراتیک، می‌تواند به افزایش تراکم سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی کمک کند. اما قبل از هر چیز لازم است تا چالش‌ها و موانع موجود شناسایی و از ابعاد مختلف مورد بررسی و پژوهش قرار گیرند از این رو در این مقاله به این موضوع پرداخته شده است. در این مقاله که به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع و متون کتابخانه‌ای به انجام رسیده است این نتایج حاصل گردید که انجام سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی مستلزم وجود اقتضائات لازم و فقدان موانع می‌باشد. موانع و محذورات حقوقی که به عنوان موضوع نوشتار حاضر انتخاب و بررسی گردیده نقش بسزایی در عدم موفقیت ایران در جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری داشته است. آسیب‌شناسی صورت پذیرفته‌شده گویای این است که موانع و چالش‌های مختلف حقوقی و غیر حقوقی در این ارتباط متصور است که در این مقاله به سه دسته از مهمترین این چالش‌ها پرداخته شد و البته باید در نظر داشت که احصاء تمامی چالش‌ها در ابعاد مختلف در یک مقاله میسر نیست و قطعاً چالش‌ها و موانع بیشتری در این زمینه متصور است اما همانطور که بیان شد؛ چالش‌های احصایی مذکور در این مقاله از نظر نگارنده مهمترین چالش‌های حقوقی بوده که به تفصیل درباره آن بحث شده است. «عدم عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی»، «عدم وجود نظام مناسب برای حل و فصل اختلافات» و «کاستی‌ها و آسیب‌های مرتبط با شخصیت حقوقی شرکت در مرحله ورود و استقرار سرمایه» مهمترین چالش‌های مدنظر می‌باشند. |
| کلیدواژه‌ها: سرمایه‌گذاری داخلی، سرمایه‌گذاری خارجی، آسیب‌شناسی، چالش‌ها و موانع، حمایت از سرمایه‌گذاری. | |
| تاریخچه مقاله تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۳/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۲۹ | |

استناد به این مقاله: نظری، امیر حسین، حسینی صدر آبادی، ایرج و جعفری، محمد حسین. (۱۴۰۳). مهمترین موانع و چالش‌های مرتبط با

حمایت از سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در ایران. پژوهش‌های روابط بین الملل، ۱۴(۲)، ۲۷۳-۲۵۱. doi: 10.22034/irr.2025.516879.2691

© نویسنده(گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین الملل





نقش بی بدیل و با اهمیت «سرمایه» و منابع مالی در پیشبرد هرگونه طرح توسعه‌ای در کشورهای در حال توسعه، «سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی» را به یکی از مهمترین منابع مالی در این کشورها تبدیل کرده است. تردیدی نیست که حمایت از سرمایه‌گذاری نقش عمده‌ای در رشد و توسعه اقتصاد کشورها و ارتقای سطح زندگی مردم دارد. در همین راستا قوانین و مقررات اگر به‌خوبی هدف‌گذاری و طراحی شده باشند، می‌توانند کاستی‌های بازار را پوشش دهند و مشوق توسعه فعالیت‌های اقتصادی باشند. ثبات در قانون‌گذاری و پیش‌بینی پذیر بودن مقررات کمک شایانی به گسترش سرمایه‌گذاری می‌کند. این امر مستلزم تحلیل جامع مبتنی بر الزامات حقوق عمومی در این زمینه است. با این حال باید پذیرفت که ایران علیرغم دارا بودن ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های وسیع به دلایلی چند از این سفره همچنان بی بهره مانده است.

در حال حاضر دولت ایران با تضییقات ارزی و ریالی متعدد و کسری بودجه مواجه است و در این شرایط توسعه تجارت و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی چه در عرصه جذب سرمایه‌گذار داخلی و چه خارجی می‌تواند کمک شایانی به اقتصاد کشور بنماید از این رو در شرایط فعلی و با توجه به مشکلات جاری دولت انجام پژوهش حاضر ضروری به نظر می‌رسد. بررسی طبیعت و سرشت سرمایه، این واقعیت را آشکار می‌کند که در جهان امروز سرمایه تابع هیچ قید و بندی از جمله مرزهای ملی و نظام‌های سیاسی و اقتصادی نیست و ماورای خود را همواره بر اساس ملاک‌ها و ارزش‌های خود انتخاب می‌کند و همواره در جایی است که خطر اندک و سود یا بازده اقتصادی زیاد باشد. سرمایه‌گذار نیز همواره نیازمند محیطی است که بیشترین استفاده را از سرمایه خود ببرد و سرمایه‌وی بیشترین بازدهی را داشته باشد. برای سرمایه‌گذار محیطی جهت فعالیت مساعد است که کمترین خطر را داشته باشد و وی بتواند با آسودگی خاطر به فعالیت اقتصادی بپردازد. در این راستا، هدف از پرداختن به موضوع بررسی چالش‌های حمایت از سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در ایران، عقب‌ماندگی کشورمان از کشورهای مشابه (کشورهای کمتر توسعه یافته) در جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی و کمک به رفع این موانع از منظر حقوقی و اجرایی است. به عبارت بهتر سوال اساسی این است که چرا جمهوری اسلامی ایران علیرغم برخورداری از منابع و پتانسیل‌های لازم برای سرمایه‌گذاری در جذب و حمایت از سرمایه‌های داخلی و خارجی به کشور از موفقیت چندانی برخوردار نبوده است؟ و



مهمترین چالش‌ها و موانع موجود در این زمینه مشتمل بر چه مواردی است؟ لذا در این مقاله تلاش خواهد شد تا با بررسی علمی و پژوهشی پاسخ مناسب برای این پرسش ارائه شود.

۱. ادبیات تحقیق

در بیان مفهومی، سرمایه‌گذاری تعهد پول یا سرمایه برای خرید مالی وسایل یا دارائی‌های دیگر، به منظور منفعت برگشت‌های سودمند و مفید در قالب بهره، سودسهم یا قدردانی از ارزش وسایل منفعت سرمایه است. آن وابسته به پس انداز یا کاهش مصرف است. در علم اقتصاد، سرمایه‌گذاری یعنی خرید کالایی که در حال حاضر مصرف نمی‌شود اما در آینده فرد به آن نیاز پیدا خواهد کرد و آن کالا برای او سودآور خواهد بود. در علم مالی، سرمایه‌گذاری به این معنی است که فرد یک دارایی مالی نظیر سهام را می‌خرد و پیش‌بینی می‌کند که آن دارایی مالی در آینده سودآور خواهد بود و قیمتش افزایش خواهد یافت، لذا با فروش به قیمت بالاتر سود خوبی به دست خواهد آورد (بهکیش، ۱۳۸۰: ۲۸۵).

به عبارت دقیق‌تر «سرمایه‌گذاری»^۱ به معنی گذاشتن پول در چیزی با انتظار سود از آن است. به تعبیر دیگر سرمایه‌گذاری عبارت است از به کار انداختن سرمایه در جهت ایجاد یا افزایش تولید (زندگی، ۱۳۶۹: ۲۱۴). مفهوم سرمایه‌گذاری ابتدا در تبصره ۱ از ماده ۲ لایحه قانونی برنامه عمرانی پنج ساله سوم کشور مصوب ۱۳۴۱/۶/۱۸ وارد ادبیات حقوقی کشور شد. مطابق تبصره مذکور، سرمایه‌گذاری شامل تخصیص اعتبار و صرف آن در اهداف معین و خاص می‌باشد. با در نظر گرفتن تعریف ماده ۱ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری مصوب ۱۳۸۱ که سرمایه‌گذاری خارجی را تعریف کرده است، می‌توان گفت: سرمایه‌گذاری داخلی آن نوع سرمایه‌گذاری است که از منابع مالی داخل کشور تأمین می‌شود و به عبارتی زمانی که منشاء سرمایه داخل کشور باشد از سرمایه‌گذاری داخلی سخن به میان می‌آید.

سرمایه خارجی عبارت است از انواع سرمایه اعم از نقدی و یا غیر نقدی که توسط سرمایه‌گذار خارجی به کشور وارد می‌شود و شامل مواردی از جمله؛ وجوه نقدی که به صورت ارز قابل تبدیل، از طریق نظام بانکی یا دیگر طرق انتقال وجوه که مورد تأیید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران باشد، به کشور وارد شود، ماشین‌آلات و تجهیزات، ابزار و قطعات یدکی قطعات منفصله و مواد اولیه، افزودنی و کمکی، حق اختراع، دانش فنی، اسامی و علائم تجاری و خدمات تخصصی، سود سهام قابل انتقال

^۱ - Investment



سرمایه‌گذاری خارجی و سایر موارد مجاز با تصویب هیأت دولت می‌گردد (استیفن، ۱۳۸۶: ۲) به عقیده برخی دیگر؛ سرمایه‌گذاری خارجی عبارت است از به‌کارگیری سرمایه خارجی در یک بنگاه اقتصادی جدید یا موجود پس از اخذ مجوز سرمایه‌گذاری که در ایران مطابق ماده ۲ قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری، پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی باید به منظور عمران و آبادی و فعالیت تولیدی اعم از صنعتی، معدنی، کشاورزی و خدمات صورت پذیرد (استیفن، ۱۳۸۶: ۳). سرمایه‌گذاری خارجی از دیدگاه صندوق بین‌المللی پول، سرمایه‌گذاری است که به هدف کسب منافع پایدار در کشوری به جز موطن فرد سرمایه‌گذار انجام می‌شود و هدف سرمایه‌گذار از این سرمایه‌گذاری آن است که در مدیریت بنگاه مربوط نقش مؤثر داشته باشد (احمدی کاشانی، ۱۳۸۸: ۷). همانطور که بیان شد سرمایه‌گذاری در ایران با وجود پتانسیل‌های بالایی که دارد، شامل چالش‌هایی است که باید به‌دقت مدیریت شوند. برای جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، ضروری است که سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی بهبود یابند و محیط کسب و کار تسهیل شود. و قبل از هر اقدام و تصمیمی لازم است تا بطور شفاف و دقیق این چالش‌ها شناسایی و احضاء شوند که در ادامه تلاش می‌شود به این مهم پرداخته شود.

۲. موانع جذب سرمایه خارجی در ایران

۲-۱. عدم عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی

موضوع الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی (WTO) و اثرات آن بر بخش‌های مختلف کشور یکی از مباحث مهم است. با توجه به اینکه حدود ۹۰٪ تجارت جهانی در اختیار اعضای سازمان است، در صورتی که کشوری بخواهد سهمی از این تجارت داشته باشد باید ضمن عضویت در این سازمان مقررات صادرات و واردات خود را با مقررات این سازمان مطابق سازد و کشورهایی که عضو این سازمان نیستند مثل ایران بین عدم انزوای از اقتصاد و تجارت جهانی و عضویت در این سازمان و پذیرش شرایط، آن بررسی‌هایی را انجام داده‌اند که نتایج این بررسی‌ها سودمندتر بودن عضویت در سازمان تجارت جهانی را تأیید کند (فیروزی، ۱۳۸۴: ۴۰۷).

ایران برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی تلاش فراوانی کرده است اولین بار شورای اقتصاد در اجلاس ۱۴ مرداد ۱۳۷۰ از وزارت بازرگانی خواست که با همکاری چند ارگان دیگر ضرورت الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی را بررسی کنند و نتیجه را به شورا اعلام کنند این گزارش در ۲۸ دی



۱۳۷۰ به انجام رسید که در آن بیان شده بود که عضویت در گات در کوتاه مدت به نفع ایران نیست ولی در بلند مدت آثار خوبی برای کشور خواهد داشت. این گزارش همچنین یادآور شد که موادی از قانون اساسی و دیگر قوانین کشور با مفاد گات مغایرت دارد که نیازمند اصلاح است (فیروزی، ۱۳۸۴: ۴۰۹). تحقیقات و بررسیهای متعددی که در ایران در ارگانهای حکومتی برای عضویت در سازمان صورت گرفته اکثراً بر مفید قلمداد کردن این امر و ضرورت عضویت تأکید دارند با وجود این هنوز دیدگاههای در کشور نسبت به سازمان تجارت جهانی وجود دارد که با الحاق ایران به این سازمان مخالفت میکنند. ایشان معتقدند که ایران توان رقابت با کشورهای توسعه یافته را ندارد و عضویت در سازمان زمینه استعمار ایران را فراهم خواهد آورد (هوشمند، ۱۳۸۴: ۶۰ و ۶۱) دیدگاه این نویسندگان بر این محور استوار است که کشور ایران با عضویت در سازمان تجارت جهانی درهای اقتصادی کشور را بدون هیچ قید و بندی بلید به روی تجار و سرمایه‌گذاران خارجی باز کند و به موازات ورود آنها تولید کنندگان داخلی به دلیل عدم توان رقابت از دور خارج خواهند شد و به دنبال آن وابستگی شدید به کشورهای خارجی پدید خواهد آمد. اما این عقیده در جهان و حتی در ایران دیگر جایگاهی ندارد و عضویت بیش از ۱۴۰ کشور در این سازمان تأکیدی بر این امر است. ضمن اینکه در مقررات سازمان تجارت جهانی راه حل‌های مناسبی جهت حمایت از تولید داخلی پیش بینی شده است. امروزه هیچ کشوری توان تولید تمام نیازهای خود را ندارد و حتی اگر این توان را داشته باشد تولید تمام نیازهای خود در درون کشور به صرفه نخواهد بود. به این دلیل که اگر یک کشور به جای تولید در تمام زمینه‌ها در زمینه‌ای که نسبت به دیگر کشورها تخصص دارد به تولید بپردازد ضمن تولید بیشتر هزینه کمتری نیز صرف خواهد کرد و نوعی تقسیم کار جهانی پدید خواهد آورد که در مجموع به افزایش تولید و افزایش رفاه عمومی مردم جهان کمک خواهد کرد و اینکه برخی از منتقدین بیان می‌کنند که ما چیزی غیر از نفت برای عرضه به جهان نداریم سخن صحیحی نمی‌باشد زیرا اگر خوب نگریسته شود کشور ایران در زمینه‌های بسیاری از مزیت نسبی برخوردار است از جمله تولید، فرش محصولات کشاورزی و باغی توریسم و گردشگری و ... حتی در صادرات نفت نیز عضویت در سازمان و تبادل فناوری و تکنولوژی به کاهش هزینه‌ها و افزایش درآمد کمک چشم‌گیری خواهد کرد.

با توجه به مطالب بالا و ضرورت الحاق به سازمان تجارت جهانی، دولت ایران باره‌ها تقاضای عضویت در سازمان را کرده است که ۲۱ بار با وتوی آمریکا رد شده است. تا اینکه در سال ۲۰۰۵ با موافقت آمریکا، ایران به عنوان عضو ناظر انتخاب شد و می‌تواند برای مذاکره با سایر اعضا ورود پیدا کند.



کشور ایران برای عضویت در سازمان تجارت جهانی نیازمند اصلاحات فراوانی در مقررات تجاری خارجی خود میباشد. زیرا که با عضویت در سازمان تجارت جهانی کشور ایران متعهد به اجرای تمام موافقتنامه‌های سازمان میباشد. به عبارتی هر یک از کشورهای عضو در زمینه تجارت خارجی قوانین خاص خود را دارد که ممکن است مغایر اصول و قوانین سازمان باشد. لذا تلاش برای رفع آنها برای هر کشوری اجتناب ناپذیر است. بنابراین بسترسازی حقوقی برای الحاق به سازمان الزامی است (فیروزی، ۱۳۸۴: ۴۱۰ و ۴۱۱).

کشور ایران برای بسترسازی الحاق به سازمان تجارت جهانی اقداماتی را صورت داده است از جمله تجمع عوارض از جمله عوارض گمرکی، اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و خصوصی‌سازی پیوستن به کنوانسیون‌های چند جانبه در خصوص مالکیت، فکری اجرای آرای داوری تصویب قانون تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی با وجود این هنوز قوانین و مقررات فراوانی در بخش‌های گوناگون تجارت کالا، تجارت، خدمات مالکیت، فکری سرمایه گذاری خارجی و ارائه یارانه‌ها وجود دارد که با تعهدات سازمان تجارت جهانی در تضاد مستقیم بوده و در صورت پیوستن ایران به سازمان باید اصلاح شود (شیروی، ۱۳۹۱: ۱۲۲).

۲-۲. عدم وجود نظام مناسب برای حل و فصل اختلافات

یکی از مهم‌ترین قسمت‌های معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، بخش نحوه حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری است که مابین سرمایه‌گذار خارجی و کشور سرمایه پذیر ایجاد می‌شود. به طور سنتی هریک از طرفین در جریان بروز اختلافات سرمایه‌گذاری تلاش می‌نمود تا با توسل به روش‌های بهتر در پی کسب نتیجه دلخواه در نتیجه حل و فصل اختلافات مذکور برآید، روش‌هایی نظیر مذاکره، داوری و حتی توسل به زور و با حمایت‌های دیپلماتیک توسط کشور متبوع سرمایه‌گذار از سرمایه‌گذار خود که البته این روش از نظر سرمایه‌گذار خارجی روشی ضعیف و غیرقابل اتکایی به منظور جبران خسارات وارد بر خود بود، زیرا در کنار ضرورت تابعیت سرمایه‌گذار، عدم نتیجه‌گیری در دادگاه‌های دولت میزبان نیز شرط حمایت دیپلماتیک محسوب می‌شد. از سوی دیگر به دلیل مناسبات بین کشورها، به ندرت کشوری اقدام به پیگیری حقوق اتباع خود و اقامه دعوی علیه دولت دیگر می‌کرد و مناسبات سیاسی را بر روابط سرمایه‌گذار خود و دولت میزبان ترجیح می‌داد، که در این صورت به منظور اجتناب از عدم رجوع به دادگاه‌های محلی کشور میزبان، سرمایه‌گذاران در قراردادهای سرمایه‌گذاری با کشور میزبان، به گنجانیدن شرط مهمی در این نوع قراردادها تحت عنوان "شرط



داوری" سوق پیدا کردند. براین اساس شناسایی و به کارگیری قواعد حقوقی مناسب و شناخته شده در حل اختلافات سرمایه‌گذاری خارجی، امنیت حقوقی سرمایه‌گذار خارجی و حتی دولت میزبان را تأمین خواهد کرد. برای نمونه نگرانی‌های مستمر راجع به امنیت حقوقی سرمایه‌گذاری خارجی در سال‌های گذشته حتی ایالات متحده را مجبور کرد تا دیدگاه خود را نسبت به موافقتنامه‌های دوجانبه حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی تغییر دهد و یک موافقتنامه نمونه که بتواند مبنایی برای مذاکرات آینده درباره حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خارجی باشد تنظیم نماید (انصاری مهیاری؛ رئیسی، ۱۳۹۷: ۴۹).

ایران هم با تصویب قوانین «داوری تجاری بین‌المللی»، الحاق به «کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک راجع به شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی» و نیز تصویب «قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی» سعی در ایجاد بسترهای حقوقی لازم و تأمین امنیت حقوقی برای سرمایه‌گذاران خارجی نموده است. در نتیجه، پیش‌بینی حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری در نظام حقوقی دولت میزبان باعث جلب اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی جهت سرمایه‌گذاری در قلمرو آن دولت شده و بستری مناسب و محیطی امن و مطلوب را برای آنها فراهم می‌کند.

مراجع داخلی روش سنتی حل اختلافات سرمایه‌گذاری خارجی، مراجعه به مراجع قضای داخلی بود. در غیاب ترتیبات قراردادی و بدون رضایت دولت مبنی بر ارجاع اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری به مراجع بین‌المللی، راهی جز مراجعه به مراجع صالح داخلی کشور میزبان تبت. با این حال سرمایه‌گذار خارجی دید خوبی در خصوص مراجعه به محاکم داخلی محل سرمایه‌گذاری ندارد بیگانه بودن نظام قضائی محلی و عدم آشنایی با نظام حقیقی دولت میزبان و احتمال برخورد قیرعادلانه در محاکم داخلی از جمله دلایلی است که سرمایه‌گذاران برای عدم تمایل خود نسبت به صلاحیت داخلی ابراز می‌کنند. به همین دلیل امروزه سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی به لحاظ حل و فصل اختلافات عمدتاً متحول صلاحیت محاکم داخلی نیستند. البته این وضعیت به معنی بیرنگ شدن کامل مراجع ملی و مقررات داخلی تبت. هم اکنون متابع مختلفی صلاحیت این مراجع را به رسمیت شناخته و آن را به طرفین سرمایه‌گذاری پیشنهاد می‌دهند.

بسیاری از قراردادهای سرمایه‌گذاری میان دولت میزبان و سرمایه‌گذار در قالب قرارداد مشارکت، قرارداد خرید خدمت بیع متقابل و قرارداد ساخت، بهره‌برداری و واگذاری خارجی حل اختلاف را به محاکم داخلی ارجاع می‌دهند (پیران، ۱۳۹۴: ۳۲۰). چرا که دولت‌های طرف این قراردادها مایل دارند



حاکمیت و اختیارات حکومتی و تقنینی خود را حفظ کرده، قرارداد سرمایه گذاری را امری محلی و در چارچوب قوانین داخلی خود قرار دهند. بنابراین هرگاه موضوع اختلاف تقض قرارداد سرمایه‌گذاری باشد، مرجع مذکور در قرارداد یعنی دادگاه داخلی صلاحیت رسیدگی خواهد داشت.

پیش بینی مراجع داخلی در معاهدات دوجانبه سرمایه گذاری را نیز باید مورد توجه قرار داد **BITS** معمولاً صلاحیت محاکم داخلی را توأم با داوری بین المللی پیش بینی می کنند. برای مثال بند ۲ ماده ۱۱ معاهده سرمایه گذاری بین ایران و جمهوری فدرال آلمان چنین مقرر می دارد: «چنانچه اختلاف حل و فصل نشود، این اختلاف بنا به درخواست هر یک از طرف های اختلاف، می تواند به دادگاه صلاحیت دار طرف متعاقد میزبان، یا مشروط به گذشت شش ماه از زمان طرح اختلاف، به داوری بین المللی ارجاع گردد.» مشابه آن در ماده ۱۰ عهدنامه سرمایه گذاری ایران و جمهوری آذربایجان بیان شده است. این وضعیت با اختلاف کمی در **BITS** ایران دیده میشود. به علاوه، در بعضی از معاهدات ایران مواردی خاص در شمول صلاحیت محاکم داخلی قرار گرفته است. برای مثال ماده ۵ معاهده ایران و اتریش به موضوع سلب مالکیت اختصاص دارد، پیش بینی کرده: سرمایه گذاری که سرمایه گذاری او مصادره شده باید از حق رسیدگی فوری مورد خود در مراجع قضائی یا مراجع صالحه دیگر آن طرف متعاقد و ارزیابی سرمایه گذاری اش طبق اصول در این ماده برخوردار باشد.» نظیر این ماده در معاهدات دیگر ایران به ویژه با کشورهای غربی دیده می شود. لازم به ذکر است که مراجعه سرمایه گذار به مراجع داخلی به منظور حل و فصل اختلافات، معمولاً مانع مراجعه وی به سایر طرق حل و فصل است. خصوصاً هرگاه مراجعه به محاکم داخلی به صدور حکم قطعی منتهی گردد، سرمایه گذار برای همیشه از توسل به سایر شیوه ها که در قرارداد سرمایه گذاری یا **BIT** پیش بینی شده، محروم می شود. این شیوه در **BITS** همه کشورهایی که سرمایه گذار را بین مراجعه به محاکم محلی برای احقاق حق و مراجعه به داوری بین المللی منخیر می دانند، معمول است. این مقرر به دوراهی جاده» معروف است، یعنی موضعی که باید یکی از دو راه را انتخاب کرد و بازگشت ممکن نیست. برای مثال ماده ۸ **BIT** فرانسه و ایران به سیاق مذکوره سرمایه گذران را در مراجعه به محاکم داخلی با داوری منخیر می داند (پیران، ۱۳۹۴: ۸۹).

قوانین سرمایه گذاری کشورها اغلب مراجع داخلی را برای حل و فصل اختلافات سرمایه گذاری صالح می دانند ماده ۱۹ ق. تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی کشورمان یکی از روش های حل اختلاف سرمایه گذاری خارجی را رسیدگی دادگاهی مقرر می دارد و اختلافات بین دولت و سرمایه



گذاران خارجی در خصوص سرمایه‌گذاری‌های موضوع این قانون چنانچه از طریق مذاکره حل و فصل نگردد، در دادگاه‌های داخلی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، مگر که در قانون موافقت‌نامه دوجانبه سرمایه‌گذاری با دولت متبوع سرمایه‌گذار خارجی در مورد شیوه دیگری از حل و فصل اختلافات توافق شده باشد. در این روش دادگاه داخلی کشور پذیرنده سرمایه بر اساس قواعد آمره دادرسی داخلی یا صدور رای، حکم با قرار الزام آور به اختلاف طرفین پایان می‌دهد. بدیهی است هرگاه دولت متبوع سرمایه‌گذار با دولت سرمایه‌پذیر BIT منعقد کرده باشد و در آن صلاحیت رسیدگی به داوری بین‌المللی اعطا شده باشد، مورد اخیر مجری است (علیدوستی، ۱۳۸۹: ۳۱).

دولت حامی دعوا نیز الزامی به تسلیم آن به سرمایه‌گذار آسیب دیده ندارد. روی هم رفته این عوامل نشان دهنده ناکافی بودن این نوع حمایت به عنوان یک شیوه ابزاری از اجرای تعهدات دولت میزبان در برابر سرمایه‌گذار خارجی است (قربان کریمی، ۱۳۸۹: ۲). با اینکه به لحاظ وجود شبکه معاهدات سرمایه‌گذاری و قوانین داخلی در این موضوع، کاربرد نهاد حمایت دیپلماتیک در دعاوی سرمایه‌گذاری بسیار کم شده است. هرگاه دولت میزبان صدمه‌ای به سرمایه‌گذار وارد کند و احقاق حق در چارچوب قراردادی به دلایلی ممکن نباشد، باب این نهاد برای دولت متبوع سرمایه‌گذار باز است. استقبال سرمایه‌گذاران خارجی از رسیدگی بین‌المللی به اختلافات میان آنها با دولت میزبان به مراتب بیشتر از محاکم داخلی است. به این ترتیب امروزه رسیدگی به این اختلافات عمدتاً در نهادهای بین‌المللی دائمی یا موردی صورت می‌گیرد. برخی مراجع قضائی از دیرباز محل مراجعه سرمایه‌گذاران و دولت‌های متبوع ایشان بودند و برخی نیز مدتی است به این جریان پیوسته‌اند.

الف- دیوان بین‌المللی دادگستری

نقش ICU در توسعه بین‌الملل سرمایه‌گذاری بسیار کمرنگ و ناچیز بوده است. زیرا تنها نسبت به اختلافات میان دولتها صلاحیت دارد. لذا مراجعه به این نهاد بیشتر در چارچوب حمایت دیپلماتیک امکان‌پذیر است. به علاوه اقامه دعوا نزد دیوان منوط به پذیرش صلاحیت اجباری دیوان از سوی کشور متبوع سرمایه‌گذار و کشور میزبان است. دیوان نیز و ه خود مایل نبوده است در این حوزه همانند سایر حوزه‌ها از حقوق موضوعه فراتر هنجارهای رفتاری در زمان فقدان معاهده یا شواهدی دال بر اجماع همگانی بپردازد.

در معاهدات دوستی و تجارت در قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی، اکثراً مرجع حل و فصل اختلاف ICT انتخاب می‌شد. مانند عهدنامه موافقت ایران و ایالات متحده که در ماده ۲۱ خود این‌گونه مقرر می‌



داشت. در قرن بیستم تعدادی از دعاوی ناشی از سرمایه گذاری به ICT با سلف آن ارجاع شد قضایای معروف کارخانه گورزو (المان علیه لهستان) و نوته پام (الیختن اشتاین علیه گواتمالا نمونه - هایی از آنهاست. همچنین در سه پرونده ایران و انگلیس (انگلستان علیه ایران، ۱۹۵۲)، بارسلونا تراکشن (بلژیک علیه اسپانیا ۱۹۷۰) و الترینگا سیکولا (ایالات متحده علیه ایتالیا، ۱۹۸۹) مربوط به مصادره سرمایه گذاری خارجی نزد دیوان، دعوا رد شد و دیوان از اظهار نظر در مورد مساله مسئولیت دولت میزبان در قبال سرمایه گذاران خارجی پرهیز کرد. با این حال این نهاد که رکن قضائی سازمان ملل متعدد محسوب می گردد همچنان صلاحیت پذیرش چنین دعاوی را داراست.

ب- مرکز بین المللی حل و فصل اختلافات سرمایه گذاری

مرکز بانک جهانی برای حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه گذاری به عنوان یک شخصیت حقوقی مستقل اطمینان خاطر برای سرمایه گذاران بین المللی فراهم کرده و موجب سهولت انعقاد BITS و قراردادهای سرمایه گذاری و گسترش سرمایه گذاری بین المللی شده است. در حال حاضر بیش از ۱۴۰ کشور از هر دو طیف سرمایه فرست و سرمایه پذیر به عضویت کنوانسیون واشنگتن فراگیرترین معاهده تخصصی با موضوع حل و فصل اختلافات سرمایه گذاری خارجی، درآمده اند و صلاحیت دیوان داوری ایکسید (ICSID) را پذیرفته اند. کنوانسیون واشنگتن در ۱۹۶۵ مفتوح و در ۱۹۶۶ لازم الاجرا گردید. زمانی که بانک جهانی مرکز داوری ایکسید را پایه گذاری کرد. هدف از آن را تسهیل سرمایه گذاری بین المللی و رفع موانع غیر تجاری از سرمایه گذاری خصوصی در کشورهای درحال توسعه بیان نمود کنوانسیون ایکسید محدودیت زمانی برای ارجاع اختلاف به مرکز در نظر می گیرد. لذا این امر به ستاد تنظیمی میان طرفهای اختلاف مثل شرط ارجاع به داوری، قانون ملی و قرارداد یا معاهده دوجانبه سرمایه گذاری احتمالی موجود بستگی دارد.

امروزه تعداد زیادی از اختلافات سرمایه گذاری نزد مرکز مطرح می شود هرگز راسا به اختلافات ارجاعی رسیدگی نمی کنند بلکه امکانات و تسهیلات لازم برای رسیدگی را مهیا می سازد. آراء صادره از سوی ایکسید برای طرفین الزام آور بوده و بجز موارد مذکور در مواد ۵۱ و ۵۲ کنوانسیون، قابل پژوهش و بررسی مجدد کنوانسیون ایکسید یک نظام مؤثر اجرایی را نیز تدارک دیده به این ترتیب که تعهدات مالی ناشی از احکام مرکز باید مانند احکام قطعی دادگاههای داخلی در کشورهای عضو اجرا

¹ - International Centre for Settlement of Investment Disputes



شوند باید متذکر شد که مقررات کنوانسیون واشنگتن راجع به اجرای مؤثر آراء مرکز، مصونیت اجرایی دولت‌ها را حذف کرده است، هرچند طبق ماده ۵۵ مصونیت قضائی دولت همچنان پابرجاست. با این حال روبه حاکی از آن است که احکامی که علیه دول میزبان صادر گردیده اکثراً اجرایی کشته است. شرایط ارجاع اختلاف به مرکز داوری با تصویب قواعد تسهیلات اضافی در سال ۱۹۷۸ بهبود یافت و زمینه طرح اختلافات بیشتری را نزد مرکز فراهم نمود.

پ- دیوان دائمی داوری لاهه

این نهاد قدیمی‌ترین نهاد حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی است. ابتدا صلاحیت دیوان محدود به دعاوی میان دولت‌ها بود، بعدها به تدریج دعاوی میان دولت و اشخاص و بین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را نیز شامل شد. وظیفه اصلی این دیوان ارائه خدمات از قبیل معرفی داوران و امکانات دفتری، مشاوره حقوقی و ... است. در سال ۱۹۸۱ ایران و ایالات متحده با پذیرش بیانیه الجزایر دیوان داوری دعاوی ایران ایالات متحده را ایجاد و آیین دادرسی آن را قواعد آنترال تعیین کردند. بدین ترتیب نقش دیوان دائمی داوری در زمینه دعاوی سرمایه‌گذاری پرچنه شد. در حال حاضر دیوان بر مبنای قواعد خاص خود در زمینه‌های مختلف فعالیت می‌کند امکان تول به برخی از این قواعد برای حل اختلافات سرمایه‌گذاری وجود دارد و دبیرخانه دیوان نیز این امر را تشویق می‌کند. در BITs معمولاً دیوان داوری به عنوان مقام تاصب معرفی می‌شود؟ مانند ماده ۴ BIT ایالات متحده و هند که مستقیماً دیوان داوری را مقام تاصب داور ثالث در صورت فقدان توافق طرفین تعیین میکند. BIT ایران نیز داوری تحت مقررات انیشرال را برای حل و فصل اختلافات پیش‌بینی می‌کند، لذا در این موارد در قاب توافق طرفین مقام تاصب را دبیرکل دیوان دائمی داوری تعیین خواهد کرد (غلامی، ۱۳۹۲: ۲۵)

ت- مرکز داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی

این دیوان شناخته شده‌ترین نهاد داوری تجاری بین‌المللی است که در سال ۱۹۲۳ تشکیل شده مقرر آن در پاریس است و امکانات وسیعی برای داوری و سازش در مسائل تجاری و سرمایه‌گذاری در اختیار دارد. این مرکز اختلافات متعددی را در رابطه با سرمایه‌گذاری خارجی رسیدگی کرده است. بسیاری از BIT مرکز داوری اتاق بازرگانی را برای حل اختلاف انتخاب می‌کنند چهار معاهده از BITs ایران با کشورهای اتریش، سوئد، کرواسی و کویت در مقررات مربوط به حل اختلاف



صلاحیت این دیوان را پیش بینی کرده‌اند. علاوه بر نهادهای داوری در سطح بین المللی، مراکزی نیز در سطح منطقه ای و داخلی به داوری بین المللی اختلافات سرمایه گذاری مستقبل اند از این میان می توان به مرکز داوری تهران مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران، انجمن داوری امریکا، دیوان داوری بین المللی لندن، اتاق بازرگانی استکهلم، مرکز داوری بین المللی هنگ کنگ و کمیته بین المللی داوری اقتصادی و تجاری چین اشاره کرد.

۳-۲. قانون حاکم بر رسیدگی به اختلافات سرمایه گذاری خارجی

میتوان گفت مهمترین قسمت قواعد حقوقی ناظر بر حل و فصل اختلافات سرمایه گذاری مساله احراز قانون حاکم بر ماهیت دعوا است. موضوع بحث، تعیین قانون حاکم در رسیدگی های بین المللی است که یک طرف آن دولت میزبان و طرف دیگر شخصی خصوصی است؛ جایی که دولت میزبان با استناد به حاکمیت خود بر اجرای قانون ملی اصرار دارد و از سوی دیگر سرمایه گذار خارجی با استناد به موازین حقوق بین الملل، می کوشد از قید و بندهای قانون داخلی رهایی باید باتوجه به اینکه روابط میان سرمایه گذاران خارجی و دولت میزبان را اسناد متفاوتی تنظیم می کند، بهتر است قانون حاکم پیشنهادی در هریک از آنها منتظر قرار گیرد

مسائلی مانند تفسیر و اجرای قرارداد با آثار و عواقب نقض قرارداد با عنایت به قانون حاکم بر ماهیت اختلاف حل و فصل می شود. در اختلاف میان دو یا چند دولت قانون حاکم اصولاً حقوق بین الملل است. در اختلافات ناشی از سرمایه گذاری چنانچه طرفین (سرمایه گذار و دولت پذیرنده) در قرارداد قانون خاصی را انتخاب نکرده باشند، قاعداً قانون داخلی دولت مذکور مبری خواهد بود اما در اینگونه قراردادها طرفین حق دارند در زمان انعقاد قانون حاکم بر روابط قراردادی شان را معین کنند.

اما از اوایل قرن بیستم با تقویت اصل آزادی اراده در قراردادها، به موجب قوانین داخلی و کنوانسیون های بین المللی بر آزادی طرفین قرارداد در انتخاب قانون حاکم تصریح گردید. مزیت اصلی رویکرد جدید اطمینان قبلی از ثبت قرارداد به لحاظ قانون حاکم بر آن است. با شروع قوانین داخلی سرمایه گذاری و وجود شبکه گسترده BIT که در مجموع نظرات سرمایه گذاران را تامین می کند پذیرش قانون داخلی در قراردادهای سرمایه گذاری بیشتر شده است. با این حال انتخاب قوانین یا عرف بازرگانی بین المللی شیوع بیشتری دارد انتخاب ترکیبی از مقررات بین المللی و قانون داخلی در برخی از این قراردادها مشاهده میشود. اکثر قراردادها و امتیازنامه های قرن ۲۰ حاوی شرط انتخاب قانون حاکم بود که غالباً این اختیار به طرف خصوصی یعنی سرمایه گذار خارجی داده می شد تا از میان



مقررات موجود قانون حاکم را برگزیند در معاهدات دو یا چندجانبه سرمایه گذاری بعضاً به قانون حاکم بر روابط طرفین اشاره می شود. در صورتی که این دادرسی خاصی در این معاهدات پیش بینی شود، لزومی ندارد قانون حاکم در معاهده سرمایه گذاری تعیین شود. با تعیین نهادها و مقررات داوری رایج مانند ایکسید، آنسیتال و یا اتاق بازرگانی بین المللی به منظور حل الخلاف، قواعد داوری مزبور شرایط احراز قانون حاکم و تعیین می کنند. با وجود این برخی از معاهدات چندجانبه و BIT جداگانه به مقوله قانون حاکم نیز مستقیماً به قانون حاکم اشاره نشده است تنها ماده ۱۹ شیوه حل اختلاف را پیش بینی می کند اما در قانون داوری تجاری بین المللی ایران مصوب ۱۳۷۶ به مقررات قابل اعمال بر داوری تجاری از جمله داوری اختلافات سرمایه گذاری اشاره شده است.

توافقنامه‌های خاص ارجاع اختلاف به داوری نیز می برای تعیین قانون حاکم بر اختلافات سرمایه گذاری است در این مورد طرف های اختلاف پس از بروز مشکل برای حل آن به توافق میرسند. این موافقتنامه حاوی این حل و فصل از جمله قانون حاکم بر دعوا خواهد بود بهترین مثال در این مورد ماده ۵ بیانیه ۱۹۸۱ الجزایر میان ایران و ایالات متحده در خصوص حل اختلافات بود که قانون حاکم را تشریح می کرد: دیوان داوری در کلیه موارد براساس احترام به قانون و آن دسته از قواعد التهاب قانون حاکم و اصول حقوق تجارت و حقوق بین الملل که بنا بر تشخیص دیوان قابل اعمال اند و نیز با در نظر گرفتن عرف بازرگانی و مواد ذیربط قرارداد و تغییر اوضاع و احوال تصمیم خواهد گرفت.

۲-۴. سیستم حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه گذاری در قانون

به موجب ماده (۱۹) قانون سرمایه گذاری ایران: «اختلافات بین دولت و سرمایه گذاران خارجی در خصوص سرمایه گذاری های موضوع این قانون، چنانچه از طریق مذاکره حل و فصل نشوند، در دادگاه های داخلی مورد رسیدگی قرار می گیرند، مگر آن که در قانون موافقت نامه دوجانبه سرمایه گذاری با دولت متبوع سرمایه گذار خارجی، در مورد شیوه دیگری از حل و فصل اختلافات توافق شده باشد. اگر از بند اخیر ماده مبنی بر ارجاع به موافقت نامه های دوجانبه که در جای خود بررسی می شود، بگذریم، این ماده از حیث شکلی با روح اعتمادسازی و حسن نیت مورد نیاز در سرمایه گذاری خارجی که مورد تایید صاحب نظران است، همخوانی ندارد.

قلمرو شمول این ماده محدود به اختلافات میان سرمایه گذار خارجی و دولت ایران است و سایر اختلافات بین دولت ایران و دولت متبوع سرمایه گذار و یا اختلافات سرمایه گذاران خارجی با اشخاص خصوصی ایرانی را در بر نمی گیرد. حکم این ماده با گرایش عمومی دولت های سرمایه پذیر



مبنی بر حفظ و کنترل بر دعاوی خود با سرمایه گذار خارجی همراه است و از این نظر که محاکم داخلی ایران را صالح برای رسیدگی به اختلافات دولت ایران با سرمایه گذار خارجی قرار داده است در فرض عدم توافق برخلاف آن، با قواعد عام حقوق بین الملل مطابقت دارد، از ظاهر این ماده چنین برداشت می شود که در صورتی محاکم ایران صالح به رسیدگی به اختلافات حاصله بین دولت ایران و سرمایه گذار خارجی هستند که در موافقت نامه سرمایه گذاری بین دولت مزبور و دولت متبوع سرمایه گذار خارجی شیوه دیگری از حل و فصل اختلافات مانند داوری پیش‌بینی نشده باشد، در غیر اینصورت مقررات موافقت نامه بر دعوا حاکم خواهد بود، بنابراین اگر بین دولت ایران و دولت متبوع سرمایه خارجی، معاهده دوجانبه سرمایه گذاری وجود نداشته باشد و یا اگر وجود دارد، حاوی قید خاصی در مورد دیگر شیوه‌های حل و فصل اختلاف مانند داوری نباشد، تنها شیوه حل و فصل اختلاف موجود بین سرمایه گذار خارجی و دولت ایران طرح دعوا در محاکم داخلی خواهد بود و حتی ضمن قرارداد سرمایه گذاری نیز نمی توان به شیوه دیگری توافق کرد (منصوری، ۱۳۹۵: ۱۴۹).

۲-۵. سیستم حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه گذاری در معاهدات دوجانبه سرمایه گذاری در معاهدات دوجانبه تشویق و حمایت از سرمایه گذاران خارجی میان دولت ایران و دیگر دول، به منظور تامین مصالح کشور در عرصه حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه گذاری، مقررات مفصلی پیش بینی شده است. عبارت مذکور در این قوانین، ظاهراً با «داوری» پیش بینی شده در قوانین عادی منطبق است اما عبارت «صلح دعاوی» عیناً در قوانین موافق نامه های دوجانبه نیامده است، اما همچنان که در موافقت- نامه های بین المللی ملاحظه می شود، یافتن راه حل «دوستانه» برای اختلافات مقدم بر داوری است. ممکن است در این راه حل های دوستانه «سازش» و «مصالحه» ضرورت یابد که در این صورت «صلح در دعوا» مصداق پیدا می کند (علیدوستی شهرکی، ۱۳۹۰: ۵۷).

ذیل ماده (۱۹) قانون تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی نیز تصریح دارد که اگر در موافقت- نامه های دوجانبه سرمایه گذاری با دولت متبوع، در مورد شیوه دیگری از حل و فصل اختلافات توافق شده باشد، موافقت نامه های دوجانبه اجرا خواهد شد.

در معاهدات دوجانبه سرمایه گذاری ایران با دیگر دولت ها با وجود تنوع موجود در مقررات حل و فصل اختلاف، سیر کلی سیستم حل و فصل اختلاف مشابه است. در معاهدات مزبور سیستم حل و فصل اختلافات بر مبنای طرف های اختلاف به دو دسته تقسیم می شوند: مطابق برخی معاهدات



سرمایه گذاری دولت ایران با دیگر دولت ها، هر اختلاف حقوقی بین یک طرف متعاقد با سرمایه گذار طرف متعاقد دیگر که از سرمایه گذاری ناشی شده باشد، در صورت امکان به صورت «دوستانه» حل و فصل می شود.^۱ و در برخی دیگر از موافقت نامه های دوجانبه، طرفین دعوا ابتدا سعی می کنند که اختلاف را به صورت «دوستانه» از طریق «مشاوره» و «مذاکره» حل و فصل نمایند^۲ که اگر به شیوه دوستانه و مذاکره حل و فصل نشوند، از دو مرجع دادگاه های صالح دولت میزبان و داوری قابل پیگیری هستند. در هر صورت بکارگیری این شیوه ها به صورت موازی امکان پذیر نخواهد بود و در صورت طرح دعوا در دادگاه صالح ارجاع آن به داوری صرفا با توافق طرفین صورت خواهد پذیرفت و در صورتی که دعوا منتهی به صدور حکم قطعی در دادگاه شده باشد قابل ارجاع به داوری نخواهد بود و نیز هر اختلافی که به داوری ارجاع شده باشد از صلاحیت دادگاه های داخلی مستثنا خواهد بود ولیکن این امر مانع از این نخواهد بود که محکوم له حکم داوری برای اجرای آن به دادگاه های داخلی رجوع کند که البته موفقیت محکوم له در روند اجرای رای صادره طبق مقررات معاهده واشنگتن و دیگر نهادهای حل اختلاف بین المللی، تا حد زیادی بستگی به قوانین ملی قابل اعمال بر آن مورد خاص دارد (شهبازی نیا، ۱۳۸۶: ۱۴۳). برخی از این معاهدات از حیث مراجع داوری دارای تنوع بسیاری اند به نحوی که سرمایه گذار می تواند اختلاف حادث شده را به دیوان داوری اتاق بازرگانی استکهلم، دیوان داوری اتاق بازرگانی بین المللی پاریس، مرکز بین المللی حل و فصل اختلافات سرمایه گذاری (ایکسید) ارجاع کند.

در برخی دیگر از معاهدات مانند موافقت نامه های سرمایه گذاری دولت ایران و چین، آفریقای جنوبی یا سوئیس، چنین تنوعی وجود ندارد و در صورتی که طرف متعاقد سرمایه پذیر و سرمایه گذار (سرمایه گذاران) نتواند ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ اختلاف به دیگری از طریق مذاکره و شیوه دوستانه به توافق برسند، هریک از آنها می تواند اختلاف را در دادگاه های صالح طرف متعاقد سرمایه پذیر مطرح و یا به یک هیات داوری سه نفره ارجاع کند. و در آخر ذکر این نکته لازم است که دولت ایران هنوز به «کنوانسیون حل و فصل اختلافات سرمایه گذاری بین دولت ها و اتباع دولت های دیگر»^۳

^۱ - بند ۱ ماده ۱۲ موافقتنامه دوجانبه تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی بین دولتهای ایران و فنلاند، مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۲۶

^۲ - بند ۱ ماده ۸ موافقتنامه دوجانبه تشویق و حمایت از سرمایه گذاری بین دولتهای ایران و ایتالیا، مصوب ۱۳۸۲/۲/۲۶

^۳ - ICSID Convention on the Settlement Disputes between States and Nationals of other States (Narch 18, 1965)



ملحق نشده و بنابراین هر گونه دعوب علیه دولت ایران توسط سرمایه گذار خارجی طرف متعاقد ممکن است به دادگاه‌های ایرانی و یا مطابق با بند ۲ (ماده ۱۱ موافقت نامه ایران و قبرس، مطابق مقررات آنسیترال یا داوری سازمانی حسب اختیار سرمایه گذار خارجی ارجاع گردد. در بند ۴ (ماده ۱۱) فوق مقرر شده است: دیوان داوری بر طبق مفاد این موافقت نامه و قواعد و اصول قابل اعمال حقوق بین الملل در مورد اختلاف، رای خواهد داد.

در اغلب معاهدات دوجانبه سرمایه گذاری دولت ایران با دیگر دولت ها، حل و فصل اختلافات میان طرفی های متعاقد تقریباً دارای سیستم یکسانی است، به موجب این معاهدات، فرایند حل و فصل اختلافات بین دولت ها در دو مرحله و به شیوه های دوستانه و دیپلماتیک و داوری دنبال می شود. چنانچه ظرف مدت مشخص (عمدتاً دو تا شش ماه از تاریخ شروع مذاکرات دوستانه با دیپلماتیک، طرفین به توافقی در خصوص حل و فصل اختلافات نائل نشوند، هریک می توانند موضوع را با رعایت تشریفات مقرر در موافقت نامه به داوری سه نفره با دیوان داوری ارجاع نمایند. در صورتی که هریک از طرفین اختلاف از انتخاب داور اختصاصی خود امتناع کند و یا دو داور منتخب، سرداور را انتخاب نکنند، رئیس دیوان بین المللی دادگستری با رعایت تشریفات مقرر و به عنوان مقام ناصب، داورهای اختصاصی یا سرداور را انتخاب خواهد کرد (حاتمی؛ کریمیان، ۱۳۹۳: ۳۶۷).

شرط زیر با جرح و تعدیل های اندک تقریباً در کلیه معاهدات دوجانبه سرمایه گذاری دولت ایران با دیگر دولت ها تکرار شده است: کلیه اختلافات ناشی از اجرا یا تفسیر این موافقت نامه یا مرتبط با آن، ابتدا از طریق مشاوره و به طریق دوستانه حل و فصل خواهند شد، در صورت عدم توافق، ظرف شش ماه از تاریخ شروع مذاکرات، هریک از طرف های متعاقد می تواند ضمن ارسال اطلاعیه ای برای طرف متعاقد دیگر، موضوع را به یک هیات داوری سه نفره مرکب از دو داور منتخب طرفین و یک سرداور ارجاع کند، در صورت ارجاع امر به داوری، هریک از طرفین متعاقد نیز ظرف شصت روز از تاریخ آخرین انتخاب، سرداور را تعیین خواهد کرد. چنانچه هریک از طرف های متعاقد ظرف مدت مقرر داور خود را تعیین نکند و یا داوران منتخب ظرف مدت یاد شده در مورد انتخاب سرداور به توافق نرسند، هریک از طرف های متعاقد می تواند از رئیس دیوان بین المللی دادگستری بخواهد که حسب مورد، داور طرف ممتنع یا سرداور را تعیین کند، سرداور باید در هر صورت تابعیت کشوری را دارا باشد که در زمان انتخاب با طرف های متعاقد روابط سیاسی دارد. هیات داوری با توجه به دیگر



مواردی که طرف های متعاقد توافق کرده اند، آیین و محل داوری را تعیین خواهد کرد، تصمیم های هیات داوری برای طرف های متعاقد لازم الاتباع است. هر طرف متعاقد هزینه داوران خود و نمایندگی خود در جریان رسیدگی داوری را خواهد پذیرفت، دیگر هزینه ها از جمله هزینه های مربوط به سرداور توسط طرف های متعاقد به طور مساوی پرداخت خواهد شد» (حاتمی؛ کریمیان، ۱۳۹۳: ۳۶۷).

۲-۶. کاستی ها و آسیب های مرتبط با شخیصت حقوقی شرکت در مرحله ورود و استقرار سرمایه لازمه بهره مندی شرکت های سرمایه گذار خارجی از حمایت های مندرج در معاهدات سرمایه گذاری در درجه اول مشخص شدن تابعیت خارجی آن ها است ولی با توجه به تعدد ملاک تابعیت شرکت های خارجی در حقوق ایران بیم آن می رود که گاه تابعیت خارجی شرکت خارجی مورد تردید قرار گیرد. از این روی، یکی از مواردی که در این قسمت مورد اشاره قرار می گیرد تعدد ملاک تابعیت شرکت های خارجی است. بعد از آن، به فراهم نبودن امکان فعالیت شرکت تک شریک در نظام حقوقی ایران و در نهایت به مسائل مربوط به فعالیت شعبه شرکت سرمایه گذار خارجی اشاره خواهد شد.

۲-۷. تعدد ملاک تابعیت شرکت های تجاری در حقوق ایران

در اغلب موافقت نامه های تشویق و حمایت از سرمایه گذاری ایران ملاک تعیین تابعیت شرکت های خارجی تأسیس بر اساس قوانین طرف متعاقد و قرار گرفتن مقرر و فعالیت اقتصادی واقعی آن ها در قلمروی همان طرف است^۱. بر این اساس، حمایت های مقرر در معاهده شامل حال شرکت هایی خواهد بود که در کشور سرمایه فرست تشکیل شده باشند. این بدان معنا است که شرکت هایی که به منظور سرمایه گذاری در کشور میزبان تشکیل می شوند از حمایت های مندرج در معاهدات سرمایه گذاری محروم خواهند بود و نمی توانند در صورت بروز اختلاف با دولت میزبان اقدام به طرح دعوی علیه آن کنند، مگر اینکه در معاهده تصریح شود در صورت بروز اختلاف این شرکت ها نیز به عنوان سرمایه گذار

^۱ - rmenia BIT art 1(2)(b), Austria BIT art 1(2)(b), Azerbaijan BIT art 1(2)(b), Bahrain BIT art 1(2)(b), Bangladesh BIT art 1(2)(b), Belarus BIT art 1(2)(b), Bosnia Herzegovina BIT art 1(2)(b), Bulgaria BIT art 1(2)(b), China BIT art 1(2)(b), Croatia BIT art 1(2)(b), Finland BIT art 1(2)(b), France BIT art 1(2)(b), Georgia BIT art 1(2)(b), Germany BIT art 1(2)(b), Greece BIT art 1(2)(b), Italy BIT art 1(2)(b), Kazakhstan BIT art 1(2)(b), Kirgizstan BIT art 1(2)(b), Macedonia BIT art 1(2)(b), Malaysia BIT art 1(1)(c), Morocco BIT art 1(2)(b), North Korea BIT art 1(2)(b), Oman BIT art 1(2)(b), Pakistan BIT art 1(2)(b), Poland BIT art 1(2)(b), Qatar BIT art 1(2)(b), Romania BIT art 1(2)(b), South Africa BIT art 1(2)(b), South Korea BIT art 1(2)(b), Spain BIT art 1(2)(b), Sri Lanka BIT art 1(2)(b), Sudan BIT art 1(2)(b), Syria BIT art 1(2)(b), Tajikistan BIT art 1(2)(b), Thailand BIT art 1(2)(b), Tunisia BIT art 1(2)(b), Turkey BIT art 1(2)(b), Ukraine BIT art 1(2)(b), Uzbekistan BIT art 1(2)(b), Yemen BIT art 1(2)(b)

خارجی تلقی خواهند شد (روزگاری؛ نیاورانی، ۱۳۹۸: ۱۱۶). از این‌رو، تعدادی از معاهدات سرمایه‌گذاری ایران از جمله موافقت‌نامه تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری منعقد شده با کشور سوئیس علاوه بر در بر گرفتن اشخاص حقوقی که طبق قوانین طرف مقابل معاهده تأسیس شده‌اند، حمایت‌های خود را به شرکت‌هایی نیز تسری داده‌اند که تحت کنترل اتباع سوئیسی باشند. بر این اساس و با عنایت به این موضوع که وفق شرط دولت‌های کامله‌الوداد که در تمامی موافقت‌نامه‌های تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری درج شده است، شرکت‌هایی که در ایران تأسیس می‌شوند ولی تحت کنترل خارجی قرار دارند از حمایت‌های مندرج در معاهدات سرمایه‌گذاری برخوردار می‌شوند، مشروط بر آنکه این شرکت‌ها توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی سرمایه‌گذار متبوع دولت سرمایه فرست کنترل شوند^۱. به دیگر سخن، سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند در ایران اقدام به تشکیل شرکت کرده و از حمایت‌های مندرج در معاهده مربوطه برخوردار شوند. در هر حال، با عنایت به قید کامله‌الوداد مندرج در معاهدات سرمایه‌گذاری ایران می‌توان در یک جمع‌بندی این ادعا را مطرح کرد که بر اساس این معاهدات سه ملاک برای تشخیص تابعیت شرکت‌های سرمایه‌گذار پذیرفته شده است که عبارت از «محل ثبت»، «اقامتگاه» و «کنترل خارجی شرکت ثبت شده محلی» است (روزگاری؛ نیاورانی، ۱۳۹۸: ۱۱۸).

در خصوص ملاک تابعیت شرکت‌ها در حقوق ایران باید گفت، برخی از شارحین قانون تجارت دو ملاک را برای ایرانی بودن شرکت‌ها در نظر گرفته‌اند. نخست، در ایران تشکیل شده و مرکز اصلی آن در ایران باشد؛ دوم، در خارج از ایران تشکیل شده ولی مرکز اصلی آن در ایران باشد. لکن مشکل در مغایرت ماده ۱ قانون ثبت شرکت‌ها، مصوب ۱۳۱۰ و ماده ۵۹۱ قانون تجارت، مصوب ۱۳۱۱ است. برای حل این مغایرت برخی از صاحب‌نظران، بر این عقیده هستند که ماده ۵۹۱ قانون تجارت ماده ۱ قانون ثبت شرکت‌ها را نسخ کرده است (اسکینی، ۱۳۸۲: ۷۶).

بر این اساس، اگرچه ملاک تعیین تابعیت اشخاص حقوقی خارجی در نظام حقوقی ایران ظاهراً اقامتگاه آن‌ها است ولی تابعیت یک رابطه سیاسی-حقوقی میان اشخاص و کشور متبوع آن‌ها است و هیچ کشور دیگری نمی‌تواند به اشخاص، تابعیتی را اعطاء کند که کشور متبوع آن‌ها از آن آگاه نیست؛

^۱ - برای مثال قسمت (پ) بند ۱ ماده ۱ موافقت‌نامه تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری منعقد شده بین ایران و سوئیس مقرر می‌کند: «از نظر این موافقت‌نامه ۱- اصطلاح «سرمایه‌گذار» در ارتباط با هریک از طرف‌های متعاقد عبارت است از: ... پ - اشخاص حقوقی که برابر قوانین طرف متعاقد تأسیس نشده، اما به‌طور مؤثر تحت کنترل اشخاص حقیقی مندرج در بند (الف) یا اشخاص حقوقی مندرج در بند (ب) این ماده باشند».



بنابراین، این پرسش مطرح می‌شود که چگونه می‌توان برای تعیین تابعیت اشخاص خارجی معیاری قرار داد که خود کشور خارجی آن را نپذیرفته است؟ در پاسخ، با عنایت به حاکمیت قانون تجارت در خصوص شرکت‌های ایرانی، می‌توان قلمرو آن را به شرکت‌های ایرانی محدود کرد و در خصوص شرکت‌های خارجی که دارای مدارک مثبتی مبنی بر داشتن تابعیت کشور خاصی هستند، قانون کشور خارجی باید در نظر گرفته شود (امام، ۱۳۷۷: ۱۵).

بدین ترتیب، ملاک تعیین تابعیت برای اشخاص حقوقی خارجی، از جمله شرکت‌های خارجی قانون کشوری است که این شرکت‌ها بدان استناد می‌کنند، در نتیجه قوانین ایران توان اعطای تابعیت به شرکت‌های خارجی را ندارند، زیرا تحمیل تابعیت به اتباع کشورهای خارجی از جمله اشخاص حقوقی، مطابق اصول حقوق بین‌الملل خصوصی قابل پذیرش نیست (حاتمی؛ کریمیان، ۱۳۹۳: ۳۶). در مقابل، برخی بر این عقیده هستند که ماده ۵۹۱ قانون تجارت قاعده حل تعارض است و بر این اساس اشخاص حقوقی تبعه کشوری شمرده می‌شوند که اقامتگاه (مرکز اداری) آن‌ها در آن کشور باشد (مقصودی؛ داودی، ۱۳۹۴: ۶۶۳). افزون بر این، در برخی دیگر از قوانین ملاک‌های دیگری برای تعیین تابعیت در نظر گرفته شده است که می‌تولند موجبات سردرگمی سرمایه‌گذاران و متولیان امر سرمایه‌گذاری در ایران را فراهم کنند.

فارغ از مباحث نظری، در عالم عمل و در میدان سرمایه‌گذاری خارجی آنچه ارجحیت داشته و در صورت اختلاف بین قانون داخلی و مقررات معاهده حکومت خواهد کرد، مقررات برآمده از معاهده است، زیرا فرض بر این است که معاهده سرمایه‌گذاری فرایند تصویب را در مجلس و شورای نگهبان پشت سر گذاشته و با قوانین ایران مغایر شناخته نشده و از این رو تصویب و به حکم مندرج در ماده ۹ قانون مدنی ایران جذب نظام حقوقی ایران شده است؛ بنابراین، در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی ضابطه مندرج در معاهده جهت تشخیص خارجی بودن تابعیت شرکت سرمایه‌گذار ملاک عمل خواهد بود، چه اینکه هر نوع نظری به‌غیر از این برخلاف موضوع و هدف معاهدات سرمایه‌گذاری خواهند بود که یکی از اهداف آن‌ها حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران خارجی است.

شایان ذکر است، مطابق با برخی قوانین و مقررات ایران شرکتی که در ایران توسط سهام‌داران خارجی ثبت شود، ایرانی قلمداد می‌شود. با این توضیح که مستفاد از ماده ۳۴ آئین‌نامه اجرایی قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی این است که ماده مذکور شرکت خارجی موضوع خود را ایرانی قلمداد



کرده و براین مبنا اجازه استملاک مال غیرمنقول توسط این دسته از شرکت‌ها را صادر کرده است. به تعبیر روشن، به نظر می‌رسد این مقررہ چنین شرکت‌هایی را ایرانی قلمداد کرده است.

۸-۲. عدم شناسایی شرکت‌های تک سهام‌دار در حقوق ایران

وفق مقررات معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری اشخاص حقوقی یکی از مصادیق سرمایه‌گذاران مورد حمایت می‌باشند. از سوی دیگر، به موجب قوانین برخی از کشورها امکان تشکیل شرکت تک سهام‌دار در نظام حقوقی آن‌ها وجود دارد. حال پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا امکان سرمایه‌گذاری و فعالیت شرکت تک سهام‌دار در قامت سرمایه‌گذار موضوع قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری و معاهدات سرمایه‌گذاری در حقوق ایران وجود دارد یا خیر؟

به نظر می‌رسد از آنجایی که معاهدات سرمایه‌گذاری برخوردار از وصف سرمایه‌گذار را منوط به تشکیل شرکت بر اساس قوانین و مقررات کشور متبوع شرکت‌های خارجی دانسته‌اند، چنین امری اصولاً امکان‌پذیر باشد و در صورتی که شرکتی تک سهام‌دار باشد، بتواند با اتکا به معاهدات سرمایه‌گذاری اقدام به فعالیت در ایران کند.

علاوه بر این، ماده ۱ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری، اشخاص حقوقی خارجی بدون توجه به ساختار آن‌ها از مصادیق سرمایه‌گذار خارجی تلقی کرده است، شاید بتوان به این نتیجه دست‌یافت که اگر شرکت تک سهام‌دار خارجی به موجب مقررات کشور متبوع خود واجد شخصیت حقوقی باشد، می‌تواند به‌عنوان یک شخص حقوقی به‌طور مستقل یا از طریق ترتیبات قراردادی اقدام به سرمایه‌گذاری در ایران کند.

در نهایت، با توجه به قانون اجازه ثبت شعبه و نمایندگی شرکت‌های خارجی، مصوب سال ۱۳۷۶ و آیین‌نامه آن، مصوب سال ۱۳۷۸ فعالیت شرکت تک سهام‌دار از طریق ایجاد شعبه و نمایندگی در حقوق فعلی ایران پذیرفته شده است، چراکه قانون مذکور ثبت شعبه و نمایندگی شرکت‌های خارجی را به‌طور عام پذیرفته است و شرکت خارجی تک سهام‌دار ممکن است به استناد قانون متبوع خود تأسیس شده باشد و این اذن قانون‌گذار شامل شرکت خارجی تک سهام‌دار در ایران است.

شاید این ایراد مطرح باشد که در معاهدات سرمایه‌گذاری ایران حمایت از اشخاص سرمایه‌گذار منوط به رعایت قوانین و مقررات ایران شده است. به نظر می‌رسد این قید ناظر به مرحله ورود و استقرار سرمایه و فعالیت‌های مربوط به سرمایه‌گذاری است. چراکه این معاهدات تأسیس شرکت را تابع مقررات کشور متبوع شرکت دانسته است؛ بنابراین شاید بتوان گفت، قید تبعیت از قوانین و مقررات



کشور سرمایه پذیر ناظر بر ساختار شرکت نیست. از سوی دیگر، حق ایجاد شرکت تک سهام دار حقی است که طبق حقوق بیگانه برای اشخاص شناخته شده است و در صورتی که شرکت خارجی بخواهد از طریق ایجاد شرکت تک سهام دار مبادرت به سرمایه گذاری در ایران کند با مانع نظم حقوقی و مخالفت با قواعد آمره مواجه خواهد شد. گذشته از این نمی توان پذیرفت که شخص خارجی این حق را داشته باشد که شرکت تک سهام دار ایجاد کند اما شخص ایرانی چنین حقی نداشته باشد (نیازی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۰).

۹-۲. کاستی های حقوقی ناظر بر فعالیت شعبه شرکت های خارجی در ایران

از نظر ماهیت حقوقی شعبه های شرکت های خارجی دارای شخصیت حقوقی نیستند و بدون آنکه شخصیت حقوقی مستقل از شرکت اصلی داشته باشند، بخشی از وجود شرکت اصلی در کشور محسوب می شوند که مستقیماً موضوع و فعالیت شرکت اصلی را در کشور انجام می دهد. به عبارت دیگر، فعالیت شعبه در کشور تحت نام و با مسئولیت شرکت اصلی خواهد بود (حاتمی؛ کریمیان، ۱۳۹۳: ۶۴). به تعبیر بهتر، اگرچه بر اساس قانون ثبت شرکت ها، مصوب ۱۳۱۰، شرکت های خارجی می توانند به وسیله شعبه یا نمایندگی به امور تجاری، صنعتی، مالی در ایران مبادرت نمایند، مشروط بر آنکه در مملکت اصلی خود شرکت قانونی شناخته شده و در اداره ثبت شرکت ها به ثبت رسیده باشند. آیین نامه اجرائی قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت های خارجی، مصوب ۱۳۷۶، زمینه فعالیت شعبه و نمایندگی های شرکت های خارجی را برخلاف قانون ثبت شرکت ها محدود کرده است. لذا، شرکت های خارجی نمی توانند از طریق تشکیل شعبه یا نمایندگی اقدام به فعالیت تولیدی اعم از صنعتی، معدنی و کشاورزی نمایند و از حمایت ها و مزایای معاهدات سرمایه گذاری و قانون بهره مند شوند (حدادی؛ رحمت اللهی، ۱۳۸۰: ۱۷-۱۸). در خصوص شعبه و نمایندگی شرکت های خارجی ذکر دو نکته نیز خالی از فایده نیست. اول آنکه بین شعبه و نمایندگی شرکت خارجی تفاوت وجود دارد. وفق ماده ۲ آیین نامه اجرائی قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت های خارجی، مصوب ۱۳۷۸ هیأت وزیران، شعبه شرکت خارجی تابع شرکت خارجی است و شخصیت حقوقی مستقل ندارد؛ اما بر اساس ماده ۴ همین آیین نامه نمایندگی شرکت خارجی، از شرکت خارجی مستقل است و امکان دارد نمایندگی در قالب ایجاد شرکت باشد یا نباشد و اگر در قالب تأسیس شرکت باشد لازم است مقررات قانون تجارت ایران اجرا گردد.



نتیجه گیری

در این مقاله تلاش شد تا «مهمترین موانع و چالش‌های مرتبط با حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی» مورد بحث و بررسی قرار گیرد. در این راستا مطالب مربوطه مطرح و مورد بررسی و پژوهش علمی قرار گرفت آنچه به عنوان ماحصل و نتیجه این مقاله می‌توان ذکر نمود به شرح زیر می‌باشد: نیل به توسعه سرمایه‌گذاری داخلی و در شرایط کمبود منابع مالی داخلی، سرمایه‌گذاری خارجی است. چنانچه به طور مبسوط در مطالب ذکر شده بررسی نمودیم، نقش سرمایه در کنار سایر عوامل و زیرساخت‌های مناسب اقتصادی، حقوقی، اجتماعی و فرهنگی، لازمه‌ی هرگونه تکاپو به سوی توسعه اقتصادی است. بالطبع انجام سرمایه‌گذاری خارجی نیز مستلزم وجود اقتضائات لازم و فقدان موانع می‌باشد. چنانچه دیدیم، موانع و محذورات حقوقی که به عنوان موضوع نوشتار حاضر انتخاب و بررسی گردیده نقش بسزایی در عدم موفقیت ایران در جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری داشته است. با این حال آسیب‌شناسی صورت پذیرفته‌گویی این است که موانع و چالش‌های مختلف حقوقی و غیر حقوقی در این ارتباط متصور است که در این مقاله به سه دسته از مهمترین این چالش‌ها پرداخته شد و البته باید در نظر داشت که احصاء تمامی چالش‌ها در ابعاد مختلف در یک مقاله میسر نیست و قطعاً چالش‌ها و موانع بیشتری در این زمینه متصور است اما همانطور که بیان شد؛ چالش‌های احصایی مذکور در این مقاله از نظر نگارنده مهمترین چالش‌های حقوقی بوده که به تفصیل درباره آن بحث شده است. «عدم عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی»، «عدم وجود نظام مناسب برای حل و فصل اختلافات» و «کاستی‌ها و آسیب‌های مرتبط با شخیصت حقوقی شرکت در مرحله ورود و استقرار سرمایه» مهمترین چالش‌های مدنظر می‌باشند. در ارتباط با چالش عدم وجود نظام مناسب برای حل و فصل اختلافات: «قانون حاکم بر رسیدگی به اختلافات سرمایه‌گذاری خارجی»، «سیستم حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری» مورد بررسی قرار گرفت و به طور مشخص چالش‌های مطرح در این زمینه بیان شد. همچنین در ارتباط با کاستی‌ها و آسیب‌های مرتبط با شخیصت حقوقی شرکت در مرحله ورود و استقرار سرمایه نیز «تعدد ملاک تابعیت شرکت‌های تجاری در حقوق ایران»، «عدم شناسایی شرکت‌های تک سهام‌دار در حقوق ایران» و «کاستی‌های حقوقی ناظر بر فعالیت شعبه شرکت‌های خارجی در ایران» به طو جزئی مورد بحث و نقد قرار گرفت.



- استیفن، رایبیز، (۱۳۸۶)، مدیریت رفتار سازمانی، جلد سوم، ترجمه: پارسیان، علی و اعرابی، سیدمحمد، چاپ اول، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- اسکینی، ربیعا، (۱۳۸۸)، کلیات معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری، تهران: انتشارات سمت.
- امام، فرهاد، (۱۳۷۷)، حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، تهران: یلدا.
- انصاری مهباری، علیرضا؛ ربیسی، لیلا، (۱۳۹۷)، استانداردهای بین‌المللی حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، دانشنامه حقوق اقتصادی، شماره ۱۳.
- بهکیش، محمد مهدی، (۱۳۸۰)، اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، چاپ اول، تهران، چاپ سعدی.
- پیران، حسین، (۱۳۹۳)، مسائل حقوقی سرمایه‌گذاری بین‌المللی، تهران: گنج دانش.
- حاتمی، علی؛ کریمیان، اسماعیل، (۱۳۹۳)، حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو قانون و قرار دادهای سرمایه‌گذاری، تهران: انتشارات تپسا.
- حدادی، مهدی و رحمت الهی، حسین، (۱۳۸۰)، رفتار با سرمایه‌گذاران خارجی در قوانین سرمایه‌گذاری ایران با توجه به استانداردهای بین‌المللی، مجله مجتمع آموزش عالی قم، شماره ۱۰
- روزگاری آقبلاغ، خلیل؛ نیاورانی، صابر، (۱۳۹۸)، آسیب‌شناسی سرمایه‌گذاری شرکت‌های تجاری خارجی در نظام حقوقی ایران از منظر شخصیت حقوقی و تابعیت شرکت‌های سرمایه‌گذار، پژوهش حقوق خصوصی، دوره ۸، شماره ۲۹
- زندى حقیقی، منوچهر، (۱۳۶۹)، اقتصاد فنون جدید، تجزیه و تحلیل اقتصادی، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- شهبازی نیا، مرتضی، (۱۳۸۶)، حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی (مطالعه تطبیقی)، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
- شبروی، عبدالحسین، (۱۳۹۱)، حقوق تجارت بین‌الملل، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت
- علیدوستی شهرکی، ناصر، منافع ملی در پرتو قوانین موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی، نشریه مطالعات راهبردی، بهار (۱۳۸۸)، دوره ۱۲، شماره ۱ (مسلسل ۴۳)،
- علیدوستی شهرکی، ناصر، احترام مالکیت و سرمایه‌گذاری خارجی، فصلنامه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱.
- فیروزی، مهدی، (۱۳۸۴)، الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی و پیامدهای آن بر مقررات صادرات و واردات، فصلنامه حوزه و دانشگاه، شماره ۴۴.
- مقصودی، رضا و داودی، حسین، (۱۳۹۴)، تغییر تابعیت شرکت‌های تجاری در حقوق ایران، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۵، شماره ۴.
- نیازی، عباس و همکاران، (۱۳۹۴)، بررسی شرکت تک شریک در حقوق ایران با نگاهی تطبیقی، دو فصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، سال بیست و دوم، شماره ۸.
- هوشمندى، حمید، (۱۳۸۴)، ایران و سازمان تجارت جهانی، مجله اقتصادی، شماره ۱۶۵.